

نکاتی درباره الزامات بدیل مستقل کارگری در ایران



نگاهی از سوی «همراه کارگران» برگرفته از «اردوی کار» در تلگرام

۲۵ دسامبر ۲۰۲۰

جنبش کارگری برای این که واقعا سراسری و توده ای شود باید از فردمحوری، انحصارطلبی محفلی، سازمانی و حزبی فاصله بگیرد و ضمن تشویق و تقویت سازماندهی جمعی، گروهی و حزبی از طریق اتحاد عمل های گسترده بر پایه فصل مشترک های مطالباتی واقعی و گردآوری نیروی واقعی پیشروی کند.

نگاهی به دو فراخوان: تجمع حمایتی در تهران و هشتگ حمایتی در شبکه های اجتماعی.

«تجمع روز چهارشنبه ۳ دی در تهران به خاطر حمایت از مطالبات

کارگران هفت تپه و همزمان با برگزاری اجلاس هیئت دאوری قرارداد واگذاری شرکت نیشکر هفت تپه در خلع ید از کارفرمای هفت تپه و لغو خصوصی سازی این شرکت برگزار شد. اما این هیئت در جلسه عصر چهارشنبه خود نتوانست به نتیجه ای برسد و ادامه بررسی پرونده به جلسه ای در دو هفته بعد موکول شد.

«علت فراخوانی به برگزاری تجمع حمایتی در تهران و یا پیوستن به دو هشتگ حمایتی؛ اولی از سوی «جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه» و دومی از سوی اسماعیل بخشی هر چه بود تأثیری بر هیئت دאوری و رای آن نداشت و این تأییدی بر نظری بود که پیشاپیش بر وابستگی اعضای هیئت دאوری و فقدان اراده در این هیئت برای رای به سود خلع ید اسدبیگی تأکید داشت.

«عملی کردن خلع ید و لغو خصوصی سازی که از مطالبات مهم کارگران هفت تپه است، مستلزم شکل گیری توازن قوایی است که در آن تحقق این مطالبه کارگران هفت تپه به تحقق همین مطالبه در سایر واحدهای تولیدی پیوند خورده باشد و یا دست کم مقدمه نامنفصل آن باشد. حاکمیت با این مطالبات بازی می کند، بخشی از آن در رقابت های جناحی و با هدف های مصادره جویانه و موج سوارانه شعار خلع ید را چنانکه در تجمع تهران شاهد بودیم تکرار می کند، اما این بخش سپاهی و بسیجی که بر خود نام عدالتخواه گذاشته جز بهره برداری تبلیغاتی، ضربه زدن به نفوذ و اعتبار سندیکا و خالی کردن زیر پای گزینه فاسد و رانت خوار مورد حمایت دولت و به دست آوردن کنترل شرکت هفت تپه هدف دیگری ندارد. آنچه برای وابستگان جناح های حاکمیت ابداً به حساب نمی آید کارگران هفت تپه هستند. شاهد مثال آن که سه ماه است حقوق این کارگران به تأخیر افتاده و با آن که دی ماه آغاز شده است هنوز نی ای بریده نشده و شکری تولید نشده است.

«رشد روزافزون اعتراضات کارگری، تلاش گروههای مختلف در حاکمیت و اپوزیسیون برای بهره برداری ابزاری از این نارضایتی ها را افزایش داده است. موفقیت نیروهای غیر کارگری و حامی بهره کشی در مصادره اعتراضات مستقل کارگری شرایط تبدیل جنبش کارگری به بدیل مستقل وضع موجود را از میان برمی دارد.

در هم شکستن خط مصادره و پیشروی به سوی بدیل

مستقل کارگری الزامات متعددی دارد که از میان آنها تاکید بر سه وجه زیر در شرایط کنونی از اهمیت بیشتری برخوردار است:

«اول: شرط مقابله با موج سواری و مصادره، غالبا تصریح مرزهای تمایز در راهکارها و شعارهاست نه راه گشودن بر درآمیزی نیروهای ناساز و متضاد از طریق طرح شعارهای مبهم و با خاصیت تفسیر آکاردئونی. مثلا شعار #خلع_ید_یک_کلام_والسلام با این که اساسا برای تاکید قاطع و مشدد بر خلع ید از اسد بیگی در هفت تپه مطرح شده، اما به خودی خود نمی گوید که جایگزین او چه باشد؟ بنابراین راه را باز می گذارد تا از «عدالتخواران بسیجی»، حامیان اداره شورایی، طرفداران واگذاری مجدد واحدهای بحران زده خلع ید شده به دولت بدون مشارکت و نظارت کارگری، حامیان واگذاری مجدد واحدها به دولت با شروط متعددی از نظارت و مشارکت کارگری، حامیان شکل های ویژه ای از مشارکت کارگری نظیر مثلا اداره به شکل تعاونی و همچنین حامیان واگذاری مجدد به یک کارفرمای به اصطلاح دارای «اهلیت» به جای فرد خلع ید شده، همگی و همگی پشت این شعار جمع شوند و به نام کارگر هفت تپه بار خودشان را ببندند و نان خودشان را بپزند. اگر مجموعه داده های وضعیت، چنین تجمیعی را در خدمت تقویت بدیل مستقل کارگری قرار می داد، مانعی نبود اما روشن است که در حال حاضر نه قدرت تبلیغاتی مستقل جنبش کارگری و نه درجه سامان یابی آن در حدی نیست که این درهم آمیزی در خدمت عروج مستقل آن باشد. مثلا در رابطه با تجمع تهران چنانکه شاهد بودیم مافیای رسانه ای سپاه تلاش کرد تا این تجمع را به نفع دانشجویان بسیجی و جریان «عدالتخواه» بازتاب دهد. با زور و سرکوب و سرمایه قدرت عظیم رسانه ای ساخته اند که همین کارها را صورت بدهند و در دنیایی که رسانه بزرگ تا حد حزب واجد اهمیت شده، افکار عمومی را گمراه کنند. هشتگ دوم یعنی لغو خصوصی سازی هم اگر چه بخشی از نیروهای بالا را الک می کند، ولی چنانچه شاهد بودیم مانع حضور مصادره جویانه عدالتخواهانه آخوندی و بسیجی در تجمع تهران نبوده است.

«دوم: شعارها، راهکارها و کنشگری ها باید بنا به قاعده میدان ابتکار عمل کارگران، حضور و نقش آفرینی آنان و تشکل های مستقل

پایه ای شان را گسترش دهند نه این که دامنه آن را به سود یک گروه خاص یا یک شخصیت کارگری محدود و مقید کنند. البته یک اقدام یا آکسیون یا شعار ممکن است عمق و دامنه لازم و کافی برای دستیابی به وفاق عمومی نسبتاً سریع بر سر ارزیابی جهت یا بانه مسیرش را نداشته باشد، اما این ویژگی خودش دست کم به معنای آن است که در نظام اولویت های پیکارهای سیاسی و طبقاتی از منظر کمک به شکل گیری بدیل مستقل کارگری از جایگاهی نازل تر برخوردار است.

«سوم: شعارها، راهکارها و کنشگری هایی که نه از طریق تقویت روندهای همگرایی میان تشکل های مستقل هم سرنوشت موجود در جنبش کارگری که از طریق درهم شکستن آنها، یارگیری از درون تشکل ها با هدف تضعیف شان و تکیه بر خصومت و رقابت به جای سطوح چند گانه ای از اتحاد عمل پیش برود، از آنجا که شرایط گردآوری حداکثر ظرفیت ها در هر نبرد موضعی طبقاتی را تضعیف می کند؛ بر نفی استقلال عمل تشکل های کارگری مبتنی است و در کنش و واکنش همه را به جان هم می اندازد و در برابر دیکتاتوری خلع سلاح می کند، به جای تقویت بدیل مستقل کارگری، فرقه های ایدئولوژیک متخاصم بوجود می آورد. جنبش کارگری برای این که واقعا سراسری و توده ای شود باید از فردمحوری، انحصارطلبی محفلی، سازمانی و حزبی فاصله بگیرد و ضمن تشویق و تقویت سازماندهی جمعی، گروهی و حزبی از طریق اتحاد عمل های گسترده بر پایه فصل مشترک های مطالباتی واقعی و گردآوری نیروی واقعی پیشروی کند. ویژگی های شرایط حکم می دهد که هر شکل دیگری بیراهه است و با تضعیف بدیل مستقل کارگری، عملاً جاده صاف کن بدیل های غیرکارگری می شود.

«ناگفته روشن است که فیل هوا کنی، جار و جنجال های فرقه ای، به خط کردن گروهها و تشکل های دست ساخته ای که فقط اسامی توخالی هستند و پشت شان فعالیت و حرکتی وجود ندارد، کمکی به همگرایی واقعی نیروها نمی کند و جایگزینی برای آن به حساب نمی آید.

اطلاعیه کمیته برگزارکننده مراسم بزرگداشت عباس عاقلزاده



اطلاعیه

عباس عاقلی زاده رفیق و دوست یگانه ما با کوله باری از تجربه های تلخ و کمتر شیرین در بامداد روز پنج شنبه دهم آگوست 2017 برابر با نوزدهم مرداد 1396 از میان ما رفت.

از دهلیز تاریک زمان می‌گذریم و تحقق رویای آزادی را چون رمانی گیرا و ژرف به آنان که هستند و آنان که خواهند آمد می‌سپاریم.

عباس عاقلی زاده رفیق و دوست یگانه ما با کوله باری از تجربه های تلخ و کمتر شیرین در بامداد روز پنج شنبه دهم آگوست 2017 برابر با 19 مرداد 1396 از میان ما رفت.

زندگی عباس را در دو وجه عمده و محوری می‌توان چنین خلاصه کرد: زندان و تبعید.

پیرامون این دو وجه، وقایع و رویدادهای بسیاری شکل گرفته است که می‌توان از کار در چاپخانه و ویراستاری تا عضویت در نیروی سوم، تا زندان تهران و برازجان، فعالیت در **کانون زندانیان سیاسی** و در زندگی در تبعید همراه با کاروان کوچک خانواده (همسر و فرزندان)، شرکت در بنیان‌گذاری کارگاه ایرانیان، کانون زندانیان سیاسی، فعالیت موثر در شورای موقت سوسیالیست‌های چپ ایران و جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران و کانون کنشگران سوسیالیست- دموکرات ها نوfer نام برد.

عباس عاقلی زاده سمبل و نماد یک دوره ی تاریخی معین در کشور بلازده ماست.

حکایت فعالیت‌های آزادی‌خواهانه عباس و رنج‌های او، در متن این دوره تاریخی، خود حکایتی است پر آب چشم، که بررسی آن فرصتی در خور می‌طلبد. متأسفانه عباس از میان ما رفت.

در بزرگداشت او که تاریخ و محل آن متعاقباً اعلام خواهد شد شرکت نمایید.

کمیته برگزارکننده مراسم بزرگداشت عباس عاقل‌زاده - هانوفر

آدرس تماس:

yadmane-abbas-aghelizadeh@kargah.de

گزارش سالانه سازمان دیده‌بان حقوق بشر درباره ایران

با وجود آنکه سه سال از ریاست جمهوری حسن روحانی می‌گذرد، او هنوز به وعده خودش برای تلاش در جهت احترام بیشتر به حقوق مدنی و سیاسی مردم عمل نکرده است. در این سال، شمار زیاد اعدام‌ها به ویژه در مورد تخلفات مواد مخدر ادامه یافت. در حالیکه روحانی در ماه مه ۲۰۱۷ با انتخابات دوره دوم ریاست جمهوری روبرو می‌باشد، جناح‌های تندرو که بر دستگاه‌های امنیتی و قضایی کشور تسلط دارند، با بی‌احترامی آشکار نسبت به معیارهای حقوقی کشوری و بین‌المللی به سرکوب شهروندانی که می‌خواستند از حقوق حقه خود برخوردار گردند، ادامه دادند. آن دسته از اتباع ایرانی که دارای تابعیت دوگانه هستند و نیز شهروندانی که از خارج به ایران بازگشته بودند به ویژه در معرض خطر دستگیری مقامات ایران که آنها را «عوامل غرب» می‌خواندند، قرار داشتند.

اعدام، مصونیت از شکنجه، و رفتارهای غیر انسانی

علیرغم کاهش اولیه اعدام‌ها در ماه‌های نخست ۲۰۱۶، مقامات

ایران تا ۲۵ اکتبر حداقل ۲۰۳ تن را اعدام نمودند. اما به گزارش گروه‌های حقوق بشر شمار اعدام شدگان ممکن است به ۴۳۷ تن بالغ گردد که اکثر این افراد در نیمه دوم سال اعدام شده‌اند. به گفته مقامات دولتی، افرادی که به تخلفات مواد مخدر محکوم شده بودند، اکثر اعدام شدگان را تشکیل می‌دهند.

بر طبق قانون ایران، بسیاری از جرائم بدون خشونت مانند «سب النبی»، ارتداد، روابط همجنسگرایانه، زنا، محصنه، و تخلفات مواد مخدر، مجازات اعدام در بر دارند. در دسامبر ۲۰۱۵ اعضای مجلس لایحه‌ای را برای حذف مجازات اعدام در مورد تخلفات بدون خشونت مواد مخدر تقدیم مجلس کردند. اما با وجود آنکه این ابتکار مورد توجه چندین تن از مقامات قرار گرفت، هنوز هیچگونه اقدامی بر روی آن صورت نگرفته است.

در روز ۲ اوت مقامات اعلام کردند که حد اقل ۲۰ تن را که ادعا می‌شد از اعضای گروهی هستند که ایران آنها را یک سازمان تروریستی به حساب می‌آورد، به جرم محاربه اعدام کرده‌اند. گروه‌های حقوق بشر معتقدند که این افراد جزء ۳۳ تن مردان کرد و اهل سنت هستند که طی سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ دستگیر شده‌اند و پس از تحمل آزار و اذیت و شکنجه در حین بازداشت، طی محاکماتی غیر عادلانه به اعدام محکوم شدند. در ماه اوت مقامات در استان خوزستان سه شهروند عرب را ظاهراً به اتهام اعمال تروریستی اعدام نمودند.

اصلاحات جدید انجام شده بر قانون مجازات اسلامی ایران به قضات اجازه می‌دهد با به کار گرفتن اختیارات خود، خردسالان را به اعدام محکوم نکنند. اما با وجود این ایران در سال ۲۰۱۶ به اعدام افراد خردسال ادامه داد. در روز ۱۸ ژوئیه سازمان عفو بین الملل گزارش کرد که مقامات ایران حسن افشار را به دار آویخته‌اند. وی در سن ۱۷ سالگی دستگیر گردیده و به لواط به عنف محکوم گردید. حد اقل ۴۹ زندانی که در صف اعدام شوندگان قرار دارند، در هنگام ارتکاب جرم، کمتر از ۱۸ سال داشته‌اند.

در ماه مارس کمیته حقوق کودکان سازمان ملل متذکر شد که شلاق زدن هنوز برای پسران و دخترانی که جرائم بخصوصی را مرتکب می‌شوند، مجازاتی قانونی به شمار می‌رود. این کمیته به گزارش‌هایی اشاره می‌کند که اظهار می‌دارند برای «درمان» زنان و مردان همجنسگرا، دوجنسگرا، دگرجنسیتی و دو جنسه، به آنان شوک الکتریکی داده می‌شود.

رسانه‌های ایران در ۲۵ مه گزارش کردند که مقامات آن کشور ۱۷ کارگر را در استان آذربایجان غربی شلاق زده‌اند زیرا کارفرمای ایشان، آنها را به دلیل اعتراض نسبت به اخراج چند تن از همکارانشان، تحت تعقیب قانونی قرار داده است.

محاكمات عادلانه و نحوه رفتار با زندانیان

دادگاه‌های ایران و به ویژه دادگاه‌های انقلاب مرتباً در برگزار کردن محاكمات عادلانه، قصور ورزیده‌اند و گفته می‌شود که این دادگاه‌ها در محاكمات خود، به اعترافات استناد می‌کنند که تحت شکنجه گرفته شده است. قانون ایران، حق متهم برای دسترسی به وکیل، به ویژه در طی مرحله بازجویی را محدود می‌سازد.

بر طبق قانون آئین دادرسی کیفری ایران، افراد متهم به جرایم امنیت ملی، بین المللی، جرایم سیاسی و رسانه‌ای، و نیز متهمان به جرایمی که مجازات آنها اعدام، حبس ابد یا قصاص می‌باشد را می‌توان تا یک هفته بدون دسترسی به مشاور حقوقی در بازداشت نگاه داشت. به علاوه، آنها مجبورند وکیل مدافع خود را از میان فهرست وکلای از پیش تأیید شده‌ای انتخاب نمایند که توسط رئیس قوه قضائیه تعیین گردیده‌اند.

چندین زندانی سیاسی و افراد دیگری که به جرایم امنیت ملی متهم شده بودند، به علت عدم دسترسی کافی به مراقبت‌های پزشکی در طی دوران بازداشت خود، دچار رنج فراوان گردیدند. در ماه آوریل، امید کوکبی، فیزیکدان جوانی که در سال ۲۰۱۲ به ۱۰ سال حبس محکوم شده بود، پس از آنکه مسئولان بدون هیچگونه دلیلی دسترسی وی به معالجات پزشکی لازم را به تأخیر انداختند، تحت عمل جراحی قرار گرفت تا کلیه راستش را که به علت ابتلا به سرطان دچار اختلالاتی شده بود، از بدن وی خارج کنند.

آزادی بیان و اطلاعات

آزادی بیان و ابراز عقاید مخالف، کماکان دچار محدودیت شدید بود و مقامات به دستگیری و متهم کردن روزنامه نگاران، وبلاگ نویسان و فعالان رسانه‌های اینترنتی که می‌خواستند از حق خود برای آزادی بیان استفاده کنند، ادامه دادند.

در ماه آوریل یک دادگاه انقلاب روزنامه نگاران آفرین چیت ساز، احسان مازندارانی و سامان صفرزایی را به ترتیب به ده، هفت، و پنج

سال حبس محکوم نمود و داوود اسدی، برادر هوشنگ اسدی، روزنامه نگاری که ساکن فرانسه می‌باشد را به پنج سال حبس محکوم کرد. محکومیت مازندران و چیت ساز توسط دادگاه تجدید نظر به ترتیب به دو و پنج سال کاهش یافت. شاخه اطلاعات سپاه پاسداران انقلاب چهار تن را به همراه عیسی سحرخیز، روزنامه نگار، دستگیر نموده و آنها را متهم نمود که جزء «شبکه نفوذی» هستند و با رسانه‌های خارجی تبانی کرده‌اند.

در ماه ژوئن، ایران اجرای یک قانون جرم سیاسی را آغاز نمود که در عین حال که در انجام محاکمات عادلانه گامی به پیش گذاشته، اما هنوز هم می‌تواند آزادی بیان را محدود نماید. بر طبق این قانون، توهین یا بی حرمتی به مقام‌های رسمی دولت «اگر با انگیزه اصلاح امور کشور باشد و نه به قصد ضربه زدن به اصل نظام، جرم سیاسی محسوب می‌شود.» اما زندانیان سیاسی باید جدا از مجرمان عادی محبوس شوند و محاکمه آنان باید عمومی و در حضور هیئت منصفه انجام شود مگر آنکه انجام این عمل به زیان اختلافات خانوادگی، امنیت ملی، یا آرمان‌های مذهبی و قومی تلقی گردد.

صدها وبسایت از جمله رسانه‌های اجتماعی از قبیل فیسبوک و توئیتر کماکان در ایران مسدود هستند. دستگاه امنیت کشور فعالیت‌های شهروندان بر روی رسانه‌های اجتماعی را شدیداً زیر نظر داشت. صدها تن کاربر این رسانه‌های اجتماعی به ویژه تلگرام و اینستاگرام به دلیل اظهار نظر در مورد موضوعات بحث برانگیز از جمله مد، توسط سپاه پاسداران انقلاب، احضار و یا دستگیر شدند.

در سال گذشته پلیس و قوه قضائیه از اجرای ده‌ها کنسرت موسیقی در استان‌های مختلف کشور، به ویژه آنهایی که دارای خوانندگان و نوازندگان زن بودند، جلوگیری نمود.

آزادی انجمن، تجمع، و رأی دادن

در ماه فوریه میلیون‌ها ایرانی در انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان شرکت کردند. در زمان پیش از انتخابات، شورای نگهبان، ارگانی که مسئول تأیید نامزدها می‌باشد، اکثریت نمایندگانی که به نظر می‌رسید وابسته به جنبش اصلاح طلبان باشند را بر اساس یک سلسله معیارهای تبعیض آمیز و خودسرانه، رد صلاحیت نمود. پس از انتخابات، در یک حرکت بی سابقه، شورای نگهبان مینو خالقی را که از شهر اصفهان انتخاب شده بود، به اتهام آنکه با یک مرد دست داده

است، رد صلاحیت نمود.

مقامات به هدف قرار دادن اعضاء اتحادیه‌های صنفی ادامه داده و آزادی تجمع و انجمن ایشان را کماکان محدود کردند.

در روز ۲۲ فوریه یک دادگاه انقلاب اسماعیل عبدی، دبیر کانون صنفی معلمان را که از ژوئن ۲۰۱۵ تا کنون در بازداشت به سر می‌برد، به ۶ سال حبس محکوم نمود. این حکم تا حدی به دلیل آن بود که وی در روز ۱۵ مه تجمع اعتراضی معلمان در برابر ساختمان مجلس را سازماندهی کرده بود.

به دنبال ابطال برنامه‌های دانشجویی یا دخالت‌های غیر قانونی مقامات غیر دانشگاهی در دستور کار این برنامه‌ها، در روز ۲۷ ژوئیه، ۹۲ سازمان دانشجویی نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور روحانی منتشر نمودند که در آن تداوم «فضای رعب و تهدید» در دانشگاه‌های ایران را مورد انتقاد قرار دادند. در حالیکه بهاره هدایت، فعال حقوق دانشجویی و زنان، پس از شش و نیم سال حبس از زندان آزاد شد، ضیا نبوی یکی از فعالان برجسته دانشجویی هنوز در زندان به سر می‌برد. هر دوی این افراد از سال ۲۰۰۹ به دنبال انتخابات ریاست جمهوری آن سال و برای فعالیت‌های حقوقی مسالمت آمیز شان محبوس گردیدند.

مدافعان حقوق بشر و زندانیان سیاسی

شمار زیادی از مدافعان حقوق بشر و فعالان سیاسی از قبیل عبدالفتاح سلطانی به دلیل فعالیت‌های مسالمت آمیز خود در زندان باقی ماندند. در ماه مه یک دادگاه انقلاب، نرگس محمدی، فعال ایرانی برجسته حقوق بشر که اکنون یک سال است در بازداشت به سر می‌برد را به دلیل «عضویت در کمپین ممنوع لغو گام به گام اعدام» به ۱۶ سال حبس محکوم نمود.

در سال ۲۰۱۰ یک دادگاه انقلاب محمدی را به علت فعالیت‌های حقوقی اش به شش سال حبس محکوم نمود اما مقامات او را به دلیل وضعیت پزشکی خطرناکی که از آن رنج می‌برد و کماکان به آن مبتلاست، آزاد کردند. در ماه مه محمد صدیق کبودوند، مدافع برجسته حقوق بشر و رئیس سابق سازمان حقوق بشر کردستان در سال نهم حبس خود در اعتراض به اتهامات جدیدی که علیه وی مطرح گردیده بود، دست به اعتصاب غذا زد.

چهره‌های برجسته مخالف دولت، میر حسین موسوی، زهرا رهنورد، و مهدی کروبی بدون هیچگونه اتهام یا محاکمه‌ای از فوریه ۲۰۱۱ تا کنون در حصر خانگی به سر می‌برند. دادستان تهران که رسانه‌ها را از انتشار اسم رئیس‌جمهور سابق ایران محمد خاتمی، ممنوع ساخته است، وی را از حضور در چندین گردهمایی عمومی نیز ممنوع ساخت.

حقوق زنان

زنان ایران در موضوعات احوال شخصیه مربوط به ازدواج، طلاق، ارث و حضانت فرزند با تبعیض روبرو هستند. زنان صرف نظر از سنشان برای ازدواج باید رضایت ولی مذکر خود را داشته باشند و نمی‌توانند ملیت خود را به شوهرشان که متولد کشور دیگری باشد و یا به فرزندان خود منتقل نمایند. زنان متأهل نمی‌توانند بدون داشتن اجازه کتبی شوهرشان، پاسپورت دریافت کرده و یا به خارج از کشور سفر نمایند.

کمیته حقوق کودکان سازمان ملل متحد در ماه مارس گزارش کرد که سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال می‌باشد و مقاربت جنسی با دخترانی که سنشان ۹ سال قمری باشد، جرم محسوب نمی‌شود و نیز قضاات اختیار و اجازه دارند برخی از مرتکبان قتل‌های ناموسی را بدون مجازات آزاد نمایند. ازدواج با کودکان - اگرچه متداول نیست - اما صورت می‌گیرد زیرا قانون اجازه می‌دهد که دختران در سن ۱۳ سالگی و پسران در سن ۱۵ سالگی ازدواج کنند و ضمناً اگر قاضی اجازه دهد، ازدواج می‌تواند در سنین کمتر از آن هم انجام شود.

مقامات به منع دختران و زنان از شرکت در یک سری وقایع ورزشی بخصوص، از جمله مسابقات فوتبال و والیبال مردان، ادامه می‌دهند. در ۳۱ ژوئیه ۲۰۱۶ رئیس‌جمهور روحانی آزمون‌های استخدامی برای اشتغال در مشاغل دولتی را به حال تعلیق در آورد تا در مورد تبعیض‌های آشکاری که علیه زنان در بازار کار وجود دارد تحقیق نماید.

نحوه برخورد با اقلیت‌ها

دولت ایران بهائیان را از داشتن آزادی مذهب محروم می‌نماید و علیه آنان تبعیض قائل می‌شود. از اکتبر ۲۰۱۶ حد اقل ۸۵ بهایی در زندان‌های ایران محبوس بوده‌اند. همچنین نیروهای امنیتی به هدف قرار دادن افرادی که از اسلام به مسیحیت گرویده بودند، و اعضاء جنبش «کلیساهای خانگی» که در منازل خصوصی برای عبادت گرد هم

می‌آیند، ادامه داد.

در ماه اوت، تعدادی از چهره‌های اهل تسنن در مناطق کرد نشین، پس از انتقاد از اعدام حد اقل ۲۰ تن در روز ۲ اوت، احضار شده و مورد بازجویی قرار گرفتند.

دولت فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی در میان اقلیت‌های آذری، کردی، عرب، و بلوچ را محدود نمود. اما در ماه اوت، شرکت کنندگان در آزمون‌های کنکور سراسری دانشگاه‌های کشور، اجازه یافتند زبان‌های کردی و ترکی را به عنوان رشته تحصیلی اصلی خود در مقطع کارشناسی انتخاب نمایند. گزارش می‌شود سال گذشته دانشگاه کردستان ۴۰ دانشجو را برای تحصیل در زبان کردی در مقطع کارشناسی پذیرفت.

بازیگران اصلی در صحنه، بین المللی

در روز ۱۶ ژانویه ایران و شرکاء بین المللی‌اش «روز اجرای» توافق هسته‌ای را اعلام نمودند که به برنامه جامع اقدام مشترک معروف است و متعاقب آن تحریم‌های اقتصادی و مالی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران قرار است برداشته شود. از زمان رسیدن به این توافق، چندین هیئت نمایندگی تجاری بین ایران و کشورهای دیگر، به ویژه در اروپا، در آمد و شد بوده‌اند.

در سال ۲۰۱۶ دولت ایران به فراهم کردن کمک‌های نظامی به سوریه ادامه داد. سازمان دیده‌بان حقوق بشر یک برنامه حمله‌های عمدی و یکپارچه به غیر نظامیان و نیز شکنجه افراد توسط دولت سوریه را مستند نموده است. در روز ۱۵ اوت، گزارش‌های رسانه‌ای حاکی از آن بود که روسیه از پایگاه‌های نظامی ایران در شهر همدان برای حمله‌های هوایی به سوریه استفاده کرده است.

در روز ۱۶ آوریل فدریکا موگرینی، نماینده ارشد اتحادیه اروپا و معاون رئیس کمیسیون اروپا و محمد جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران طی صدور یک بیانیه مشترک اعلام داشتند اتحادیه اروپا و ایران قصد دارند در زمینه‌های حقوق بشر، مهاجرت، و مواد مخدر با یکدیگر همکاری متقابل داشته باشند.

در روز ۲۵ اکتبر، پارلمان اتحادیه اروپا گزارش این اتحادیه را در مورد خط مشی این سازمان نسبت به ایران پس از توافق هسته‌ای صادر نمود که در آن نسبت به میزان دلهره آور اعدام‌ها در ایران ابراز نگرانی نموده و درخواست کرده تمامی زندانیان سیاسی آزاد شوند.

در ماه سپتامبر شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد عصما جهانگیر را به عنوان گزارشگر ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر ایران انتخاب کرد. ایران به احمد شهید، گزارشگر پیشین که در سال ۲۰۱۱ برگزیده شده بود اجازه نداد از این کشور بازدید به عمل آورد.

درباره خشونت های مسلحانه اخیر مهاجرتباران در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی و پیامدهای آن

گفتگوی بی بی سی با حبیب حسینی فرد، ناهید کشاورز و مهرداد درویش پور

[این برنامه را مشاهده کنید](#)

درباره اسناد پاناما و درسهای آن

گفتگو رادیو فرانسه با مهرداد درویش پور

انتشار نتایج بررسی ۱۱ میلیون سند توسط ۱۰۷ رسانه و از جمله روزنامه "لوموند" که بخشی از این اسناد را منتشر کرد و همچون بُمبی منفجر شد، نشانگر این است که وارد دوران دیگری از روزنامه نگاری شده ایم که به شکل یک مقطع تاریخی به جا خواهد ماند.

البته پیش از آن "ویکی لیکس"، "ان جی او"ی که مسئول آن "جولین آسانز" بود، که میلیون ها سند در پیوند با جاسوسی، فساد و یا

پایمال کردن حقوق بشر را برملا کرد و پس از آن نوبت "ادوارد اسنودن" رسید که گستره شنود جهانیان و جاسوسی مخابراتی "سازمان امنیت ملی" آمریکا را به جهانیان شناخت، سپس "آفشور لیکس"، "سویس لیکس"، "لوکس لیکس" هم به این لیست پیوستند.

این بار کار این روزنامه نگاران هزار برابر بزرگتر از دیگران توصیف شده که به مهارت بسیار توسط ۱۰۷ رسانه جهان با کار بر اسنادی که همگی از یک شرکت پانامائی به نام "موساک فون سه کا" به دست آمد به سرانجام رسید. این کار عظیم به کمک اینترنت و موتورهای جستجو ممکن گردید.

این رخداد بزرگ و تاریخی از چند نظر پرسش برانگیز شد. پاره ای از آنها را می توان به این اختصاص داد که :

- آیا می توان اکنون گفت که این کار سرآغاز دوران "آگاه کنندگان" است که تاکنون مخفیانه در درون نهادها و نظام ها به گردآوری اطلاعات می پرداختند و آنها را در اختیار گردآواران گذاشته اند؟

آیا می توان گفت که با دریافتن گستره میزان فساد و بهره برداری پنهانی شخصیت ها، گروه ها، ورزشکاران، هنرمندان و مدیران شرکت های بزرگ که به آنها باید شبکه های جنایتکاران و بانک ها را نیز افزود، باید در انتظار رستاخیز یک جامعه مدنی توانا در سطح جهان باشیم؟ چون فعالیت یک نظام طی ۳۸ سال و رفتارهای ناسالم شهروندان ۲۰۰ کشور، زیر ذره بین گذاشته شده است. البته همه این ها به شکل غیرقانونی انجام نگرفته اما امروز دیگر هیچکس نیست که از معاملات بانکی پیچیده که به گریز از مالیات کمک می کنند، خبر نداشته باشد.

سرانجام این که با دوگانگی دولت مردان چگونه می توان مبارزه کرد؟ چون گرچه مقوله لزوم حفظ امنیت و به رسمیت شناختن موقعیت حقوقی "آگاه کننده گان" از چندی پیش مطرح شده بود، اما این بار "فرانسوا هولاند" رئیس جمهوری فرانسه بر آن تکیه کرد و گفت: آنها کار سودمندی می کنند و خطر به جان می خورند؛ از این رو می بایست از آنها محافظت به عمل آورد.

اما "ادوارد اسنودن"، که هنوز در روسیه پناهنده است، به دوگانگی "فرانسوا هولاند" اشاره کرد و وی را مورد تمسخر قرار داد و گفت هنگامی که همه نمایندگان پارلمان فرانسه از او خواستند که به وی پناهندگی دهد، او نپذیرفت... این کارمند پیشین سازمان امنیت ملی آمریکا، می پرسد «آیا باید برای اینکه یک "آگاه کننده" مورد

حمایت “فرانسوا هولاند” قرار بگیرد، می بایستی با کار خود امکان ورود یک درآمد هنگفت به فرانسه را تضمین کند» ؟
این پرسشها را با مهرداد درویشپور، استاد دانشگاه و جامعه شناس در سوئد مطرح کردم.

او با گفتن این که این رویداد بی نظیر است، می افزاید که اکنون دولت مردان و صاحبان ثروت در کشورهای دمکراتیک، راه های پیشرفته دیگری برای پنهان کاری های خود خواهند یافت. اما در کشورهای غیردمکراتیک، دولت مردان بر فشارهای خود خواهند افزود. اما فاش سازی ها، شهروندانی را که از سیاست و سیاستمداران دلزده شده اند، آگاه تر می کند و آنها را برای ایستادن در برابر فساد آماده می سازد.

اسناد پاناما و درس هایی که از آن می توان گرفت، موضوع چشم انداز روز است که در آن شهلا رستمی با مهرداد درویشپور استاد دانشگاه و جامعه شناس گفتگو کرده است. برای شنیدن این گفتگو به فایل صوتی مراجعه کنید.

[این گفتگو را گوش کنید](#)

سالی که گذشت و سالی که رسید!

فرهنگ قاسمی



این یادداشت را زمانی انتشار میدهم که فقط چند دقیقه ای از آغاز سال ۲۰۱۶ میلادی میگذارد. مردمان بخش بزرگی از جهان این تغییر سال را جشن می گیرند و سال خوبی و شادی را برای دوستان و نزدیکان و جهانیان آرزو می کنند.

اما سالی که گذشت سال رویهمرفته خوبی برای بشریت نبود؛ زیرا انسانیت شاهد بیخانمانی و کوچ اجباری بسیاری از مردم جهان به دلیل جنگ و کشتار و وضعیت سیاسی و اقتصادی شد. انسانیتی که در دام صاحبان بانک ها و قدرت های سیاسی افتاده و به راحتی توانائی پاسخ به فجایع خود ساخته، را ندارد.

هنوز صد ها میلیون از کودکان و زنان و مردان در گوشه جهان امنیت، آسایش، سلامت و رفاهیت ندارند، چه برسد به آزادی و دموکراسی و استقلال و برابری. در حالیکه تنها هزاران نفر بیش از نود در صد ثروت و امکانات جهان را در اختیار دارند و آینده آنرا برنامه ریزی کرده و در جهت منافع خود اداره می کنند. بانک داران، صاحبان قدرت و صنایعی و منابع طبیعی ملل، که قرن هاست جنگ می آفرینند تا بشریت را در استعمار و استثمار و وابستگی نگهدارند کماکان به سیاست مخرب خود ادامه میدهند.

در این سال داعش ساخته پرداخته دشمنان امروزش، با کشتارهای وحشیانه اش و با پیشرویهای نظامیش و با ترورهایش ترس در دل مردم جهان انداخته، بطوریکه اتحادی از کشورها برای نابودیش ایجاد شد و این امیدواری را بوجود آورده اند که در سال پیش روی از توسعه نظامیش کاسته شود.

در این سال وجدان دنیا نسبت به مخاطره محیط زیست بیدارتر شد و برنامه ریزی و تعهداتی برای کاهش افزایش CO₂ اتخاذ گردید.

در این سال به قیمت بسیار هنگفت بالاخره خطر جنگ و تحریم ها از سر ملت ایران بر طرف شد. اما وضعیت در منطقه از هر زمان دیگر خطرناکتر است. جمهوری اسلامی، ایران را زیر تعهداتی برده است که آینده آن به هیچوجه اطمینان بخش نیست.

در ارتباط با بهبود وضعیت کشورمان ایران در این سال ابعاد اعدام ها و تجاوزات به حقوق مردم توسعه یافته است و متأسفانه مخالفان واقعی جمهوری اسلامی هنوز نتوانستم اند در مقابل رژیم اقدامی شایسته از خود بروز دهند در حالیکه ضرورت چنین نیازی با گسترش موج اصلاح طلبان رژیم بشدت احساس می شود.

امید و آرزوی من اینست که در این سال جدید در جهان صلح و رفاهیت و آرامش و عدالت و احترام به حقوق انسانی گسترش پیدا کند. تعامل و تفاهم و همسازی جانشین افراطیگری در همه ابعاد و اشکالش، بشود. درارتباط با میهنم ایران و همه مردمان آن خواستم بسط همه موارد ذکر شده در بالاست و امید و آرزو دارم در کنار همفکران و یاران و همراهان دیگر در حد امکانات خودم کوشش کنم تا بساط حکومت مذهبی از ایران برچیده شود و آزادی و برابری و دموکراسی و عدالت و استقلال مردمان ایران از سلطه بیگانگان، برقرار گردد. باهم و با صمیمیت و اعتماد در این راه همراه و هم پیمان شویم.